

ایران - انگلیس

عهدنامه منع خرید و فروش غلام و کنیز

اول شوال ۱۲۶۷ ه.ق / دهم اوت ۱۸۵۱ م.

درآمد:

از اواخر قرن هیجدهم نهضتی در اروپا علیه برده فروشی و بردگی به وجود آمد و برای اولین بار در سال ۱۲۰۹ ق. / ۱۷۴۹ م. از طرف مجلس ملی فرانسه برده فروشی در تمام مستعمرات آن دولت رسماً منع گردید. دو سال بعد، دولت انگلستان نیز خواست به پیروی از سیاست فرانسه برده فروشی را لغو کند، ولی از آنجایی که تجار انگلیسی از همین برده فروشی سود سرشاری هایدشان می‌شد، پارلمان لایحه دولت را رد کرد.

گذشت روزگار نشان می‌داد که دوره بردگی خواه ناخواه از بین خواهد رفت و انگلستان هم ناچاراً روزی دست به این کار خواهد زد، مخصوصاً این که فکر سیادت و آقای بر دنیا، همیشه در فکر تمام سردمداران دولت انگلیس بوده، روی همین فکر از سال ۱۸۳۰ م. به بعد دولت انگلیس که دارای نیروی دریایی مقتدری بود در مبارزه با برده‌فروشی پیشقدم شد تا به این ترتیب سیادت دریایی خود را بر سراسر جهان برقرار نماید.

در سال ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۴۳ م. دولت انگلیس به موجب یک اعلامیه، تمام غلام و کنیزهایی که متعلق به دولت انگلیس بود آزاد کرد و رفته رفته این مسئله رنگ سیاسی گرفت و بدین وسیله دریاها و سواحل ممالک شرقی جولانگاه کشتیهای جنگی انگلیس گردیده، به آنها اجازه داده شد کشتیهای را که مظنون به حمل برده بودند در سواحل آفریقا و بعضی نقاط دیگر بازرسی نموده و از تجارت و حمل و نقل بردگان جلوگیری نمایند.

انگلیسیها طبق نقشه‌ای که طرح کرده بودند می‌خواستند هرطور هست با دولت ایران در مورد منع خرید و فروش برده، قراردادی به امضاء رسانند تا با در دست داشتن این قرار نامه، به اعتبار اینکه دولت ایران فاقد قوای بحری ممکن جهت کنترل کشتیهای در حال عبور از آبهای خلیج فارس و دریای عمان هستند، دولت انگلیس این کار مهم را انجام دهد و معلوم است که دولت

استعمارگر انگلستان با عنوان این که به عالم انسانیت خدمت می‌کند و از خرید و فروش غلام و کنیز جلوگیری می‌نماید! نفوذ سیاسی خویش را در خلیج فارس هر چه بیشتر توسعه بدهد.

در اواخر عمر محمد شاه، انگلیسیها از ایران تقاضا کردند که ورود و خروج بردگان را از خلیج فارس و بحر عمان ممنوع سازد و حق نظارت و بازرسی کشتیهای مظنون را برای نیروی دریایی انگلیس قایل شود، ولی محمد شاه مخالفت علمای دینی^۱ را بهانه قرار داده از پذیرفتن این تقاضا خودداری کرد و این امر موجب مکاتبات زیادی بین فرانت (Ferrant) سفیر انگلستان و دولت ایران شد.^۲ تا این که فرانت به حاجی میرزا آقاسی اتمام حجت داد که هر چه زودتر تجارت برده را ممنوع سازد (۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۸ م.).

بالاخره محمد شاه در اواخر عمر خود با این که به انگلیسیها بدبین بود و هنوز هم قضیه هرات را فراموش نکرده بود، با اصرار حاجی میرزا آقاسی، چهار ماه قبل از وفات خویش فرمانی دال بر ممنوعیت ورود غلام و کنیز از راه دریا به خلیج فارس صادر کرد (دهم رجب ۱۲۶۴ ق. / دوازدهم ژوئن ۱۸۴۸ م.). دولت انگلیس از صدور این فرمان راضی نشد و به عنوان اینکه فرمان سند بین‌المللی نبوده و هر آن امکان لغو آن از سوی شاه ایران ممکن است، اصرار نمود در این باره قراردادی بین دولتین ایران و انگلیس منعقد شود.

بالجمله، قرارنامه منع خرید و فروش برده در اصفهان بین ایران و انگلیس منعقد گردیده به سفاین انگلیسی برای مدت یازده سال اجازه داده شد که تحت نظر صاحب منصبان ایران کشتیهای تجارتمی مظنون را بازجویی نمایند، ولی بعدها به موجب فصل سیزدهم عهدنامه پاریس^۳ (رجب ۱۲۷۳ ق. / مارس ۱۸۵۷ م.) قرارنامه مزبور تجدید و تمدید گشت و بدین وسیله تحمیلی نظیر تحمیلات عهدنامه ترکمانچای (شعبان ۱۲۴۳ ق. / فوریه ۱۸۲۸ م.) بر دوش ایران نهاده شد و وسیله دیگری برای اعمال نفوذ در خلیج فارس به دست انگلیسیها داد.

حدود ۲۶ سال بعد (۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م.) بین ایران و انگلیس قراردادی منعقد شد که به موجب آن، قرارنامه حاضر و فصل سیزدهم عهدنامه پاریس لغو و در عوض فصول سنگین تری به ایران تحمیل گردید و حق تفتیش سفاین برای دولت انگلیس شناخته شد و از آن پس صاحب منصبان آن دولت هنگام محاکمه مرتکبین تجارت برده حضور می‌یافتند و در آن دخالت می‌کردند. ضمناً، از طرف میرزا تقی خان دستورالعملی بسیار جامع به میرزا محمودخان آجودان وزارت دولت خارجه در باب اجراء قرارنامه صادر شده که به دنبال همین عهدنامه خواهد آمد.

۱. در مورد کیفیت نفوذ روحانیت در این دوره رک: نفیسی ۳۹/۲.

۲. در مورد مکاتبات فرانت و دولت ایران رک: آدمیت ۲۱۴ به بعد.

۳. جهت مطالعه متن فرمان رک: محمود ۵۳۳/۲.

۴. رک: عهدنامه پاریس در همین مجموعه.

۵. آدمیت ۳۳۷.

صورت و سواد قرارنامه ایست که فیما بین دولت ایران و انگلیس
در باب غلام و کنیز سیاه بسته شده.

فهرست مندرجات

مقدمه

فصل اول - در باب اذن تفحص کشتیهای تجار تی.

فصل دویم - در باب ترجمان و تنبیه صاحب کشتیها به جهت خلافکاری. در باب مدت
قرارداد.

فصل سیّم - در باب تذکره مسافرت غلام و کنیز. صورت دستورالعمل میرزا
محمودخان.

دولت ایران قرار می‌دهد که کشتیهای جنگی دولت انگلیس و کمپانی تا مدت یازده سال مأذون می‌باشند که به جهت احتمال حمل غلام و کنیز سیاه، کشتیهای تجارتي ایران را به تفصیلی که درین صفحه مرقوم می‌شود تفحص نمایند. سواي کشتیهای دولتي دولت ایران که کشتی تجارتي و رعیتی نباشند، در آن کشتیهای دولتي مطلقاً دخل و تصرف نباید بشود. و اولیای ایران قرار می‌دهند که به هیچ وجه غلام و کنیز سیاه در کشتیهای دولت حمل نمایند.

اولاً- قرار این است که این اذن و اجازه تفحص که در کشتیهای تجارتي رعیتی داده می‌شود از ابتدای تفحص تا انتها به دستياری و توسط و استحضار صاحب منصب ایران بشود که در کشتیهای دولت انگلیس منزل و مکان دارند.

ثانیاً- کشتی تجار را زیاده از مقدار زمان تفحص غلام و کنیز معطل نکنند و اگر غلام و کنیز در کشتی ایران و کشتیها بوده باشد کارگزاران دولت انگلیس گرفته ببرند، ولی بدون اینکه خسارت و معطلی بر آنها وارد شود و برای بردن غلام و کنیز نباید زحمت و ضرری بر آنها برسد. خود کشتی را به دستياری و استحضار صاحب منصبان ایران که در کشتیهای انگلیس هستند به کارگزاران بنادر ایران که از جانب این دولت علیه هستند بسپارند و صاحب آن کشتی را که بخلاف حکم اعلیحضرت پادشاه ایران عمل نموده و غلام و کنیز حمل کرده کارگزاران این دولت علیه به اندازه تنبیه و ترجمان نمایند و کشتیهای جنگی دولت انگلیس بی دستياری صاحب منصب دولت ایران هیچ نوع دخل و تصرف در کشتیهای تجارتي ایران نمایند، لیکن صاحب منصبان دولت

ایران هم نباید از شغل محوله به خودکوتاهی نمایند. این قرار بر قرار است تا موعد یازده سال و بعد از گذشتن یازده سال و تمام شدن موعد و مدّت، اگر از یک روز زیاد بر یازده سال معمول و مداخله در کشتیها شود خلاف رویه دوستی دولت ایران و خلاف رعایت حقوق ایشان شده و از جانب این دولت علیه ترضیه مطالبه خواهد شد.

ثالثاً - غلام و کنیز قدیمی ایران که حال در ایران هستند، از حال تحریر و مابعدها، اگر بخواهند از راه دریا به خلیج^۱ یا به هندوستان و یا [به] لنگه بروند و یا سفر دریا نمایند، باید بلیط از مباشرین تذکرة ایران که در بندر ابوشهر می باشند، به استحضار بالیوز دولت بهیئة انگلیس متوقف بندر ابوشهر، مثل سایر قرارهای مسطوره فوق تا مدّت یازده سال است.

ابتدای شروع به این قرار تفحص و رفتن صاحب منصبان ایران از غرة شهر ربیع الاول سنة یک هزار و دوست و شصت و هشت است و از حال تحریر تا ابتدای این تاریخ حق تفحص و تفتیش نیست. تحریراً فی غرة شوال المکرم سنة یک هزار و دوست و شصت و هفت.

۱. اصل: حج.

ایران - انگلیس

دستورالعمل در باب غلام و کنیز
۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۱ م.

درآمد:

بطوری در عهدنامه منع خرید و فروش غلام و کنیز یادآوری گردید، از طرف میرزاتقی خان امیر کبیر دستورالعمل مفصل و جامعی به میرزا محمودخان آجودان وزارت امور خارجه صادر شد که می‌بایست طبق این دستورالعمل در مورد مجرمین و متهمین حمل برده عمل نماید. طبق همین دستورالعمل عمال دولت انگلیس حق هیچ‌گونه مداخله و اظهار نظر در مورد تنبیه و ترجمان مجرمین نداشت، ولی با انعقاد عهدنامه ۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م. بین ایران و انگلیس حق تفتیش کشتیهای عهده انگلیسیها گذاشته شد و از این تاریخ، صاحب‌منصبان دولت بریتانیای کبیر، هنگام محاکمه مجرمین و مرتکبین حمل برده و غلام، شخصاً حضور داشته و در آن کاملاً دخالت می‌نمودند.

صورت دستورالعمل عالیجاه میرزا محمودخان آجودان
وزارت امور خارجه در باب غلام و کنیز.

فهرست مندرجات

مقدمه

فصل اول - تنبیه و ترجمان صاحب کشتی.

فصل دوم - حبس صاحب کشتی.

فصل سیم - ضبط کشتی، در باب شروط تنبیه و ترجمان. تاریخ تحریر. صورت دستخط همایون.

[مقدمه]

آن عالی‌جاه برحسب امر قدر قدر [ت] اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جاه عالمیان پناه، روح العالمین فداه، مأمور است که روانهٔ بندر ابوشهر شده و در سفاین دولت انگلیس بوده مشغول تفحص و تجسس باشد که تبعهٔ دولت علیه در کشتیهای خود غلام و کنیز سیاه به سمت بنادر فارس حمل و نقل نمایند و هرگاه کسی مرتکب شده باشد آن عالی‌جاه به تفصیلی که در ذیل همین دستورالعمل مسطور و مقرر است مرتکبین را تنبیه و ترجمان نماید و به شرایطی که ذکر خواهد شد مشمول دارد. اگر چه سابقاً از جانب اولیای دولت علیه به نواب شاهزادهٔ اعظم نصرهٔ الدوله فیروز میرزا در این باب اظهار شده و نواب معزی‌الیه نیز به حکام و مشایخ اعراب بنادر و سواحل و جزایر بحرالعجم اخبار نموده است که من بعد مرتکب حمل و نقل غلام و کنیز سیاه نشوند و به سمت بنادر فارس نیاورند و حالا هم البته نواب والا مأموریت آن عالی‌جاه را به حکام و مشایخ بنادر سواحل و جزایر را اعلام کرده است، اگر با وجود اعلامات نواب والا باز تخلف کرده باشند و وقتی که آن عالیجاه تفحص نماید و معلوم شود که غلام و کنیز سیاه حمل نموده‌اند، آن وقت تنبیه و ترجمان آنها را از قرار تفصیل به عمل آوردند:

دفعهٔ اول - تنبیه و ترجمان مرتکب این است که آن عالی‌جاه مرتکب و صاحب کشتی را دو بیست چوب زده و دو مساوی قیمت غلام و کنیز را که آورده باشند از او ترجمان بگیرد. به این معنی که، نصف دو مساوی را وجه نقد گرفته عاید دیوان اعلیٰ نماید و عوض نصف دیگر غلام و کنیز را آزاد نماید. کیفیت دو مساوی به این طریق است: مثلاً اگر قیمت غلام و کنیز بیست تومان باشد، چهل تومان منظور نماید و اگر سی تومان باشد شصت تومان منظور نماید.

دفعهٔ ثانی - اگر باز صاحب همان کشتی مرتکب شود بعلاوهٔ تنبیه و ترجمان سابق به

تفصیلی که مذکور شد صاحب کشتی را با کشتی او شش ماه حبس نماید.

دفعه ثالث - هرگاه باز صاحب کشتی مرتکب شود، این دفعه کشتی او را ضبط دولت علیّه نماید و غلام و کنیز سیاه را آزاد نماید و تسلیم گماشتگان دولت بهیّۀ انگلیس نموده قبض باز یافت نماید که آنها را به اوطان خود روانه نمایند و آن عالی‌جاه کیفیت آن را به اولیای دولت علیّه عرض نماید.

و این قراردادها که در خصوص تنبیه و ترجمان مقرر شده است در صورتی که از یک کشتی سه دفعه خلاف قراردادهای دولت علیّه به ظهور رسیده باشد و کلاً این تنبیهات را بدون مداخله احدی به دست آن عالی‌جاه و حکام بنادر این دولت علیّه مجری نمایند. نیز باید چهار نفر آدم صاحب سواد همراه آن عالی‌جاه باشد که هر یکی در یکی از سفاین دولت بهیّۀ انگلیس که سیاحت دریا می‌نمایند بگذارند و آنها مراقب باشند، همین که غلام و کنیزی را در کشتیهای تبعه این دولت علیّه دیدند بدون اینکه خود آنها مداخله نمایند، یا این که از طرف گماشتگان دولت بهیّۀ انگلیس اذیت و آزار به آنها برسد به آن عالی‌جاه اخبار کنند که آن عالی‌جاه موافق دستورالعمل مقررۀ اولیای دولت علیّه ایران به اجرای تنبیه و ترجمان آنها پردازد و می‌باید آن عالی‌جاه موافق دستورالعمل و مطابق شرحی که در تاریخ شهر شوال سنه یک هزار و دویست و شصت و هفت قلمی شده و به دستخط همایون رسیده و سواد آن نزد آن عالی‌جاه است رفتار نماید و بجز آن عالی‌جاه نباید دیگری در این امر مداخله داشته باشد، بلکه این مأموریت را مخصوص خود داند و مأذون است که مخالف این دستورالعمل و معاذیر همان شرحی که به دستخط مبارک همایون رسیده است مباشر امری شود. تحریراً فی غرة شهر ربیع الاول سنه یک هزار و دویست و شصت و هشت هجری.

صورت دستخط مبارک:

این سواد صحیح و مطابق اصل و فرمایش ماست که جناب صدراعظم اصل را مقرر کرده و به سفارت انگلیس داده‌اند. تحریراً فی شانزدهم شهر ربیع الثانی سنه یک هزار و دویست و شصت و هشت هجری.

۱. اصل: مغایر.

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>